

# انصاف حقيقي وامنيت

حضرت ميرزا مسرور احمد

خليفة المسيح الخامس اية الله تعالى بنصرة العزيز

سازمان انتشارات بين المللي اسلام

انصاف حقیقی و امنیت

***True Justice and Peace***

Persian Translation of the Concluding Address of  
Hazrat Mirza Masroor Ahmad

Imam and the Head of the Worldwide Ahmadiyya Muslim Jama'at  
Fifth Successor to the Promised Messiah (on whom be peace)  
at the Annual Convention of the Ahmadiyya Muslim Community  
United Kingdom 2015

Published in UK in 2016

© Islam International Publications Ltd.

Published by:

Islam International Publications Ltd.  
'Islamabad', Sheephatch Lane  
Tilford, Surrey, GU10 2AQ  
United Kingdom

Printed in UK at:

Raqeem Press  
'Islamabad' Tilford, Surrey, GU10 2AQ  
United Kingdom

For further information:

[www.alislam.org](http://www.alislam.org)

ISBN: 978-1-84880-168-4

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سخنرانی پایانی جلسه سالانه بریتانیا  
که حضرت امیر المؤمنین سیدنا میرزا مسرور احمد  
ایده الله تعالی بنصره العزیز  
خلیفه پنجم حضرت مسیح موعود و امام مهدی علیه السلام  
در ۲۳ اوت ۲۰۱۵ مصادف با یکم شهریور ۱۳۹۴  
در حدیقه المهدی در لندن، بریتانیا ایراد فرمودند.

بعد از تلاوة تشهد و تعوذ و تسبیح حضرت امیر المؤمنین ایده الله تعالی  
بنصره العزیز فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ  
وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ ۗ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ۗ<sup>۱</sup>

این فتنه و فسادی که امروز جهان را فرا گرفته، هر انسان امنیت طلبی  
را نگران کرده است. هرکسی که با انسانیت همدردی دارد، حیران و  
نگران است که در دنیا چه اتفاق هایی در حال رخ دادن است.  
گویندگان اگرچه این را بسیار گفته اند و به کثرت نوشته اند که این

---

۱ همانا خداوند متعال به عدل و احسان و عطاء کردن، همانند عطاء کردن  
به خویشاوندان دستور می دهد و از بی حیایی و کارهای زشت و بغاوت  
منع می کند. و به شما پند می دهد تا عبرت بگیرید.  
سورة النحل، آیه: ۹۱

## انصاف حقیقی و امنیت

فساد، در جهان اسلام بسیار زیاد است و یا مسلمانان عامل اصلی این فتنه ها هستند. سپس از آن استنتاج کرده اند که دین عموماً و اسلام خصوصاً عامل اصلی فساد است. نعوذ بالله. تا امروز دنیای غرب معتقد بود که دامن این همه فساد منحصر به کشورهای اسلامی و کشورهای عقب مانده خواهد بود و این مسئله تنها متعلق به آنها است و ما-یعنی مردم کشورهای پیشرفته- آنها را در حل این مسئله و در تلاش آن ها برای برقراری عدالت، کمک خواهیم کرد. اگرچه به نام کمک رسانی و برقراری عدالت، به اثبات رساندن برتری خود و بهره بردن از منابع آن کشورها نیز از اهداف شان بود اما این اشتباه قدرت های بزرگ و نیروهای مخالف دین بود. اینک زمان به اثبات رسانده است که این مشکل تنها مختص کشورهای اسلامی نمی باشد و این گرایش به خشونت و تروریسم تنها به جهان اسلام محدود نیست بلکه از آن فرا تر رفته برای کشورهای غربی و جهان پیشرفته نیز پیگردهای نگران کننده و ترسناکی در پی خواهد داشت.

از سال ها قبل من توجه آن ها را به حالت فساد موجود در دنیا معطوف می کردم و به آن ها می گفتم فکر می کنید وضعیت کنونی به یک منطقه محدود است، اما اشتباه شما این جا است. آنگاه اغلب شان اخلاقاً در این رای با من اظهار موافقت می نمودند اما بعداً این را می گفتند که جهان به خصوص کشورهای پیشرفته به آن اوضاع خطرناکی که او(یعنی من) می گوید دچار نخواهند شد. ولی امروز مقامات خود آنها و کسانی که بر وضعیت دنیا نگاه عمیق تری دارند، شروع به گفتن این کردند که، کشورهای پیشرفته از وضعیت پر از فساد دنیا هم در امان نیستند و اوضاع هولناک فساد نیز دهان خود را

## انصاف حقیقی و امنیت

برای بلعیدن ما باز کرده است. نخست وزیر بریتانیا در بیانیه ی اخیرش درباره ی این خطر صحبت کرده است. وزیر خارجه ی استرالیا و فرمانده ی اسبق کل قوای بریتانیا نیز همین را ابراز کرد. چندین روزنامه نیز نوشتن این مطالب را شروع کردند. پس این واقعیت دارد که امروز دنیا در آستانه ی فتنه و فساد است. مردم پیشرفته یا تحصیل کرده گمان می کنند که عامل ایجاد این فتنه، دین است و این فتنه توسط گروه دینی مسلمانان اوج گرفته است. اما در حقیقت این فتنه به سبب درک نکردن حقیقت دین است. جهانیان فکر می کنند برای رهایی از این فتنه نیاز به ازبین بردن دین است. و برای آن هم تبلیغ می کنند، رسانه ها نیز در این عرصه نقش خود را ایفا می کنند و این فکر را ترویج می دهند که دین یا مایه ی ایجاد جهالت و تنبلی است یا به تندروی و خشونت سوق می دهد و اگر می خواهید پیشرفت کنید، با کناره گیری از دین می توانید راهی ترقی را طی کنید. این مردم گمان می کنند پیشرفت انسان منوط به دوری از خداست و به سبب نشر این نظریه ی باطل، هر روز تعداد منکران وجود خداوند متعال در حال اضافه شدن است. درحالی که حقیقت این است که دنیا به سبب فراموش کردن خداوند متعال گرفتار این فتنه و فساد شده است. از جمله عوامل این فتنه و فساد، کاربرد نادرست تعالیم خداوند متعال، سو استفاده از نام خدا جهت رسیدن به اهداف خویش، انکار وجود خداوند متعال، همچنین به سخریه گرفتن ذات خداوند متعال و بی توجهی به تمام حد و حدود است.

بنابراین علت اصلی فتنه و فساد در دنیا عبارت اند از: نیل مقاصد شخصی به اسم خداوند متعال، خالی شدن دل ها از بیم و ترس

## انصاف حقیقی و امنیت

حقیقی خدا، انکار وجود خداوند متعال و ترجیح دادن قوانین و نظریات خویش بر همه چیز، انسان باوجود این که مخلوق خداوند متعال است اما قوانین خداوند متعال و نظام عدالت و انصاف او را از قوانین و نظام عدالت و انصاف خود کمتر می داند و این سوال را مطرح می کند که چرا ما نمی توانیم تعالیم دینی را مطابق اقتضای زمان، تابع رسم و رواج و خواسته ها و قوانین دنیوی قرار دهیم؟ شخصی که استاد دانشگاه و آدمی تحصیل کرده بود، نیز از من همین سوال را پرسید. به یاد داشته باشید که اگر تعلیم دینی فاسد شده باشد و در مقابل اصول و تعالیم آن، به اثبات رسد که اصول و تعالیم انسانی درست تر و دقیق تر است، آنگاه می توان این سوال را مطرح کرد. اما ما به کتابی ایمان داریم که چهارده قرن از دستبرد انسان به آن، محفوظ مانده است و تعالیم آن از هر لحاظ عالی تر و برای انسان هر زمانی، دارای دستور العمل زندگی می باشد و از طرف پروردگار جهانیان و عالم الغیب و الشهاده نازل شده است لذا این کتاب هیچ نیازی به تابع شدن به قانون و قاعده ی انسانی ندارد. دین انسان ها را به تبعیت از خود دعوت می کند نه این که خودش از مردم یا خواسته هایشان پیروی کند. امروز اسلام آن دین و قرآن آن کتابی است که برای انسان هر زمانی راهنما می باشد مشروط بر این که انسان توان درک آن را داشته باشد. دین، در حقوقی که امروزه پایمال می شوند، دخالتی ندارد بلکه قوانین دنیوی یا فریب دهندگان به نام دین، حقوق را غصب می کنند. علت بی عدالتی هایی که در جنگ ها و درگیری های امروزی صورت می پذیرد، دین نیست بلکه مردم خود خواه این کارها را انجام می دهند. امروزه انحطاط اخلاقی و عریان شدن به نام آزادی، این به سبب دین به وجود نیامده است بلکه به سبب ناقص بودن قوانین

## انصاف حقیقی و امنیت

انسانی است قوانینی که دستورات خداوند متعال را بالا و پایین کرده است. اظهار توان و قدرت و برتری خویش جزو تعالیم خداوند متعال نیست بلکه دستمایه‌ی خود انسان است تا بتواند توسط آن برتری خود بر همه چیز را نمایان کند. اموری را که امروزه در جهان می بینیم به این سبب است که انسان خود را عقل کل می پندارد و از الهام نیز بی نصیب است. خداوند متعال این وضعیت را در قرآن شریف اینگونه ذکر نموده است:

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي  
عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ.<sup>۲</sup>

پس این فساد ایجاد شده انسان است که نه ثروتمند، نه فقیر، نه مردم دینی [یعنی مردمانی که ظاهرا دینی اند] و نه دور شدگان از دین، از آن در امان اند. در چنین اوضاعی معلوم است که انسان مورد مواخذه خداوند متعال قرار گرفته و به سزای اعمال خود خواهد رسید چون از خالق خود دوری جسته است و این نتیجه‌ی طبعی آن است. چون دوری از خداوند متعال که خالق و مالک کائنات است، همین نتیجه را در پی دارد، این نتیجه ظاهر شده است و خداوند متعال تا حدودی دارد عقوبت هم می کند، تنها خدا از کیفر این اعمال در آخرت خبر دارد اما خداوند متعال با مجازات کردن مردم خوشحال نمی شود. خداوند متعال آن است که وقتی بنده اش به راه راست بیاید و از فتنه و فساد

---

<sup>۲</sup> مردم آنچه بدی ها کسب کردند، در اثر آن، فساد هم بر خشکی چیره شد و هم بر دریاها، تا او آنها را جزای برخی اعمال شان بچشاند تا شاید آنها بازگردند. سورة الروم، آیه: ۳۲

## انصاف حقیقی و امنیت

دور شود، آنگاه خدا از این عملش بیشتر از آن مادری که در خطرناک ترین اوضاع، بچه ی گم شده ی خویش را پیدا می کند، خوشحال می شود در حالی که قبلاً همین مادر مانند دیوانگان در حالت یاس و امید با این نگرانی که بچه اش در آن اوضاع خطرناک زنده است یا نه جستجو می کرد و سپس ناگهان او را پیدا کرده او را در آغوش می کشد، به اندازه ای که آن مادر در آن هنگام خوشحال می شود و مهر می ورزد، خداوند متعال بیشتر از آن به بندگان خویش مهر می ورزد و وقتی بنده اش به سوی او رجوع می کند، بیشتر از آن مادر مزبور خوشحال می شود. خداوند متعال بخاطر این مهر و محبت خود، پیامبران و فرستادگان خود را جهت اصلاح جهان می فرستد تا دنیا از نابودی، ایمن بماند و به سبب کارهای غلط و اشتباه و فساد، عقوبت نشود. عدم سقوط بندگان در آتش خواسته ی خداوند متعال است و نه تنها این که از افتادن در آتش مصون می دارد بلکه انعام هایی نیز نازل می کند. حضرت مسیح موعود علیه السلام در باره ی این حالت و این زمانه می فرمایند: ” اکنون مردم طالب آب معنوی هستند، زمین [معنویت] بکلی مرده است. این زمانه مصداق *ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ*<sup>۳</sup> شده است، جنگل و دریاها فاسد شده اند. مراد از جنگل، مردم مشرک و از بحر، اهل کتاب می باشد. همچنین منظور می تواند نادان و دانا باشد. خلاصه فسادی در هر طبقه و قشری از انسان ها، رسوخ کرده است. از هر بعد که نگاه کنید، حالت دنیا عوض شده است. روحانیت باقی نمانده است و تاثیرات آن نیز به چشم نمی خورد. ضعف های

---

۳ سوره الروم، آیه: ۳۲



## انصاف حقیقی و امنیت

اخلاقی و عملی دامن هر کوچک و بزرگی را فرا گرفته است. نام و نشان خداپرستی و خداشناسی از بین رفته است. لذا اکنون نیاز است که آب آسمانی و نور نبوت نازل شود تا دل های مستعد را نور و روشنی بخشد. از خداوند متعال تشکر و سپاسگزاری به جای آورید که او به لطف خویش اکنون این نور را نازل کرده است، اما اندک اند کسانی که از این نور بهره می برند.<sup>۴</sup>

خداوند متعال جهت مصون داشتن انسانیت، مطابق سنت خویش عمل می کند و جهت راهنمایی درست جهانیان و برای نشان دادن راه نجات از فسادها، فرستادگانش را مبعوث می کند. در این برهه از زمان خداوند متعال حضرت مسیح موعود علیه السلام را فرستاده است. اوضاع جهان حاکی از فسادی حالت مسلمانان می کند چنانکه همینک یک سخنران مختصراً راجع به یک کشور اظهار نمود. همچنین حالت پیروان ادیان دیگر و ملحدین نیز بسیار وخیم شده است. دنیا به آنچه آب تصور نموده و به سویش می شتابد، آب نیست بلکه سراب است. آب حقیقی و نور، آن است که خداوند متعال نازل کرده است و اکنون به جای اینکه هم مسلمانان و هم سایر جهانیان تشکر کنند و خود را از این چشمه ی آب سیراب کنند، در تاریکی ها فرو می روند و از منجلاب ها آب می نوشند. بدبختانه مسلمانان نیز قدر غلام صادق حضرت پیامبر ﷺ (حضرت مهدی علیه السلام) را ندانستند و آب گنبدیده را صاف تصور نموده و از علمای سو پیروی می کنند. پیروان ادیان دیگر نیز به جای شناختن حق، قیل و حجت می کنند و نتیجی

---

<sup>۴</sup> حضرت مرزا غلام احمد، ملفوظات جلد ۲، صفحه ۳۳۳

## انصاف حقیقی و امنیت

آن، این شده است که امروزه جهانیان کلاً از دین زده و منکر وجود خداوند متعال شده اند. اگرچه اکثر مسلمانان تا حد ادعا یا اعتقاد، بر دین خود استوار هستند اما علما بر عقل هایشان پرده افکنده، حالت های علمی و عملی شان را به شدت فاسد نموده اند. من تهمت نمی زنم، بلکه حقیقتی است که از هیچ کسی پوشیده نیست. همه ی دنیا در عالم اسلام شاهد فتنه و فساد و کشت و کشتار و تروریسم به اسم خدا و پیامبر هستند. ظلم و جورهای حکومت ها بر رعیت و رفتار بغاوت آمیز رعیت و ظلم شان، گواه بر آن است. سپس هنگامی که عامه ی مردم-جهت راهنمایی- نزد آخوندها می روند، آنجا بجز خودخواهی و خودکامگی هیچ چیزی را نمی بینند. فرمان حضرت پیامبر ﷺ صد در صد تحقق یافت و به چشم می خورد که از علما بجز فتنه ها هیچ چیز دیگر عاید نخواهد شد در قول و عمل شان تضاد خواهد بود. غیر از سخنان و فتاوی جهالت آمیز هیچ چیز از آنها حاصل نخواهد شد.<sup>۵</sup> خلاصه این سخنان و اعمال آخوندها نیز دلیل حقانیت پیامبر اکرم ﷺ است.

سپس عموم مسلمانان دچار پسرفت اخلاقی شدند. انحطاط دینی نیز آشکارا به چشم می خورد. وقتی که علما جاهل باشند و مطابق میل خود فتواها صادر کنند، آنگاه معلوم است که وضعیت عامه ی مسلمین چه خواهد شد. این آخوندها تعالیم اسلام را-جهت منافع شخصی خویش-آنقدر قطع و برید کرده اند که غصب حقوق دیگران را نیز

---

<sup>۵</sup> الجامع لشعب الایمان للبيهقي، جز ثالث، صفحه ۳۱۴. ۳۱۸، نمره حدیث

## انصاف حقیقی و امنیت

جایز می دانند. این فتواها اکنون در پاکستان عام شده اند مثلاً فتوا داده اند که احمدی ها از دایره ی اسلام خارج اند اینان حتی با گفتن لااله الا الله محمد رسول الله باز هم از دایره ی اسلام خارج اند و به تراج بردن و غصب کردن اموال شان، جایز است. این مسلمانان در فرقه های مختلفی منقسم شده اند و آتش نفرت و کینه در بین آنها افروخته شده است. خداوند متعال می فرماید رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ<sup>۶</sup> اما اینان مهر و محبت و برادری به کنار، دشمنی و عداوت شدیدی با همدیگر دارند و این دلالت بر وجود حالت فساد در بین مسلمانان دارد، رحمانیت خداوند متعال اقتضا می کند که فرستاده ی خویش را در این اوضاع بفرستد و خداوند متعال مطابق سنت و وعده ی خویش فرستاده ای را فرستاد اما چنانکه گفتم علماء، مسلمانان را اشتباه راهنمایی کردند و به جای ایمان آوردن به او، به مخالفتش پرداختند و به جای اینکه با عمل به فرمان خداوند متعال و پیامبرش به ندای فرستاده لبیک بگویند و سعی کنند امت واحده بشوند، به مخالفتش ایستادند. باهم نیز تن به فتنه و فساد و قتل و غارتگری دادند و اینگونه بر جهانیان دیگر تاثیر منفی گذاشتند؛ قدرت های غیر مسلمان که معاندند، از این ضعف مسلمانان بهره می برند و اسلام را مورد اعتراض قرار می دهند و به اسلام حمله ها می کنند. اسلام را دین فتنه و فساد و خشونت قرار می دهند و غیر مسلمانان و بی دینان را برقرار کننده ی امنیت جهان و تعمیم دهنده ی صلح و آشتی معرفی می نمایند. این قدرت ها آنقدر زیرک اند که این امور را آشکارا بیان نمی کنند بلکه با کمال هشیاری برای آن ها

---

<sup>۶</sup>سورة الفتح، آیه: ۳۰

## انصاف حقیقی و امنیت

تدابیری می اندیشند. از یک سو با مسلمانان ابراز همدری می کنند و ادعای برقراری روابط با امنیت و صلح سر می دهند و خدمات خود را برای ازبین بردن فتنه و فساد از جهان اسلامی پیشکش می کنند و می گویند: (( اسلام دین بدی نیست، مسلمانان هم بد نیستند، اسلام تروریسم را آموزش نمی دهد ما باید دست به دست هم بدهیم و این فتنه و فساد را که بیشتر در دنیای اسلام است، از جهان ریشه کن کنیم)). اما از طرفی دیگر این را نیز می گویند: (( اسلام و تروریسم و خشونت باهم مرتبط اند و تعالیم اسلام باعث خشونت و تندروی است)). همزمان دو بیانیه می دهند، یا از یک رهبر می خواهند یک چیزی بگویند و از رهبری دیگر چیزی ضد آن می خواهند تا قدرت های ضد اسلام را نیز راضی نگه دارند و مسلمانان را نیز خشنود کنند. ما به این مردم می گوییم تا جایی که سخن از تعالیم اسلام می شود، این همان تعالیم برقرار کننده ی صلح و امنیت است که هیچ تعالیم دینی دیگری نمی توانند با آن مقابله کنند. کسانی که علیه مسلمانان سخن می رانند، همیشه باید این امر را مد نظر خود داشته باشند که با چنین سخنانی، خودشان برای گروهک های تندروی اسلامی نما هیزم فراهم می کنند. اینان با این سخنان خود، مسلمانان دارای اطلاعات کم و مضطرب را انگیخت می کنند، با تهمت زدن به دین، امنیت برقرار نمی شود بلکه جهت برقراری امنیت باید دست از سر دین برداشت و علیه ظلم اقدام کرد، اگر اینان علیه ظلم بپا خیزند، آنگاه در عرصه ی برقراری امنیت به موفقیت خواهند رسید. بنابراین آن هایی که وابسته به قدرت های بزرگ اند و از سران دولتی هستند، باید سیاست خود را با عدالت و انصاف درآمیزند. در این شکی نیست که انسان دنیوی چشم دینی ندارد لذا تنها با چشم دنیوی نگاه می

## انصاف حقیقی و امنیت

کنند و تلاش های ظاهری که برای برقراری امنیت به عمل می آورد، در حقیقت مایه ی بهم زدن امنیت و ایجاد فساد است. بنابراین قدرت های بزرگ نباید تنها به فکر قدرت و توان خویش باشند، برای برقراری امنیت در دنیا، قدرت های بزرگ باید عملکردهای خود را عوض کنند در غیر این صورت به یاد داشته باشند که تمام جهان با شدت بیشتری دامنگیر این فتنه و فسادها خواهد شد. همچنین مسلمانان نیز باید به ندای خداوند متعال گوش فرا دهند و شعارهای علمای ظاهری و رهبران و نهادهای ظاهری را از روی تعلیم خداوند متعال بسنجند نه بر معیارهای خود ساخته شان. ببینند که تعلیم زیبای اسلام چیست و که خداوند متعال از آنها چه می خواهد. خداوند متعال می خواهد که به فرستاده ی او توجه کنند، اگر چنین عمل کنند، آنگاه تمام اختلافات مسلمین از بین رفته، مهر و محبت و عدالت و انصاف برقرار خواهد شد و امت مسلمه، امت واحده خواهد شد و از دست قدرت های غیر مسلمان و نوکری شان رها و آزاد خواهد شد.

همیشه باید به خاطر سپرد که تعالیم غربی و دنیوی و نظام دنیا ضامن امنیت و سلامتی جهان نیست و نمی تواند باشد. ضامن امنیت و سلامتی جهان، تعالیم اسلامی است که نه دینی قبل از اسلام آن را تقدیم نموده و نه در هیچ فلسفه ی معاصر و نظام دیگری وجود دارد. این، تنها تعالیم اسلام است که ضامن برقراری امنیت و صلح و محبت در جهان است. بنابراین به جای اینکه امروز قدرت های غیر مسلمان به ما راه های برقراری امنیت را نشان دهند، ما باید راه های برقراری امنیت حقیقی و عدالت را از روی تعالیم اسلامی به آن ها نشان دهیم. و این تعلیم در این آیه ی مختصری که همینک

## انصاف حقیقی و امنیت

تلاوت کردم متجلی است. بنابراین هر مسلمان باید در این امر تامل و تفکر کند و به جای این که همیشه در مقابل حملات علیه اسلام تنها در حالت دفاعی باشد، این تعلیم روشن را همراه به چالش کشیدن به جهانیان تقدیم کند. امروز مطالبی در پرتو تعلیمی عرض خواهم کرد که چهارده قرن پیش بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شد و سپس پیامبر اکرم ﷺ و خلفای راشدین شان و برخی حکام مخلص و خیرخواه امت در دوران خویش آن تعالیم را عملی و اجرا کردند و یک جامعه ی بسیار زیبا را تشکیل دادند. من منکر این نیستم که اغلب حاکمان دولت های بعداز آن ها و علمای اسلامی به خاطر خودخواهی های خود و منافع شخصی، بر این تعالیم زیبا، پرده افکندند اما چنانکه گفتم خداوند متعال در هر زمان جهت راهنمایی انسان ها، انبیا و پیامبران را می فرستد و در این زمان، او حضرت مسیح موعود علیه السلام را فرستاده است و ایشان به طور واضح و آشکارا ما را از این تعالیم زیبا مطلع ساختند. آن حضرت اعلام فرمودند که بعثت من دو هدف به دنبال دارد. یکی رساندن بنده به خداوند متعال و متوجه ساختن انسان به ادای حق خداوند متعال و دوم ادای حقوق بندگان.<sup>۷</sup>

بنابراین اسلام، ما را به ادای این دو حق متوجه می سازد. ما باید این موضوع را از منظر قرآن شریف نگاه کنیم و چنانکه گفتم در پرتو این آیه می بینیم معیار و ملاک عالی ادای حقوق چگونه برقرار می شود و در دنیا عدالت و انصاف و محبت و برادری چگونه برقرار می گردد و پیامبر اکرم ﷺ با اسوه و الگوی خویش چگونه به این آیه عمل

<sup>۷</sup> حضرت مرزا غلام احمد ، ملفوظات جلد ۳، صفحه ۹۵-۹۶

## انصاف حقیقی و امنیت

کردند و در این زمانه نیز مشاهده می‌کنیم که فرستاده‌ی خداوند متعال در این زمینه با استناد به این آیه به ادای هر دو حق، چگونگی راهنمایی کردند.

حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرماید ”دستورات عظیم قرآن شریف تنها دو نوع اند. نوع اول، توحید و محبت و اطاعت خداوند تعالی، نوع دوم دلسوزی و همدردی با برادران و انسانیت. و خداوند متعال این دستورات را در سه درجه منقسم نموده است.“ با ارجاع به این آیه می‌فرمایند:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ<sup>۸</sup> معنای اول این آیه این است که در زمینه‌ی اطاعت از خالق خویش، عدل را پیشه کنید و از ظالمین مباشید. چنانکه در حقیقت بجز او هیچ کس قابل پرستش، مهر و محبت و توکل نیست، زیرا به سبب خالقیت، قیومیت و ربوبیت خاص او، هر حقی تنها به او اختصاص یافته است. [او ما را خلق کرده است، به ما زندگی و حیات بخشیده و زنده نگه می‌دارد و به ما سامان پرورش خویش فراهم می‌سازد لذا این حق تنها مال اوست] لذا شما در پرستش، مهر و محبت و در ربوبیت او، هیچ کس را شریک و انباز مسازید. اگر شما تا این حد این امر را انجام دهید، این همان عدل است که رعایت آن بر شما واجب است. سپس اگر بخواهید از این درجه به درجه‌ی دیگری پیشرفت کنید، پس از عدل، درجه‌ی احسان است و آن این که چنان به عظمت خدا معتقد شوید که در پرستش او به اندازه‌ای مودب و در مهر و محبتش به حدی محو شوید که گویی

---

<sup>۸</sup>سورة النحل، آیه: ۹۱

## انصاف حقیقی و امنیت

شما عظمت و جلال و حسن لازوال او را دیده اید. پس از این درجه، درجه ی ایتائی ذی القربی است. و آن این است که پرستش و مهر و محبت و فرمانبرداری و اطاعت شما عاری از تکلف و تصنع باشد و شما او را همان گونه که پدران خویش را از روی تعلق خاطر یاد می کردید او را یاد کنید و مهر و محبت شما نسبت به او به گونه ای باشد که بچه به مادر مهربانش می ورزد.

معنای دوم آیه در ارتباط با همدردی و دلسوزی با انسانیت است، یعنی با برادران و انسانیت عدل پیشه کنید و بیشتر از حقوق خویش بر آنها تعرض نکنید [آنچه را بگیرید که حق شماست، برای تجاوز از آن تلاش نکنید] و به انصاف چنگ زنید. و اگر بخواهید از این درجه پیشرفت کنید، بعد از این درجه، درجه ی احسان است و آن این که شما در مقابل بدی برادران، نیکی کنید و در برابر آزار او، برای او راحتی و آسایش فراهم کنید و از سر احسان و نیکوکاری دست او را بگیرید. درجه ی بعدی، ایتائی ذی القربی است که طبق آن هر نیکی که در حق برادر خویش، یا هر خیرخواهی که برای انسانیت انجام دهید، بلا عوض باشد و از آن هیچگونه منت و احسانی انتظار نداشته باشید، بلکه طبعاً آن عمل بدون هیچ غرض و هدفی از شما صادر شود [آنچه نیکی کنید، از آن احسان و منتی بر کسی مدنظرتان نباشد بلکه باید آن نیکی بدون هیچ غرض و هدفی از شما صادر شود] مانند نیکی یک خویشاوند به خویشاوند، یک عزیز به عزیز که از روی جوشش قربابت داری نیکی می کند. این آخرین درجه کمال اخلاقی است که در همدردی خلایق هیچ نوع غرض نفسانی یا هدفی نباشد بلکه جوشش اخوت و قربابت انسانی به اندازه ای رشد پیدا کند که آدم بدون هیچ



## انصاف حقیقی و امنیت

تصنع و تکلف و بدون انتظار از هیچگونه سپاسگزاری یا دعا یا پاداشی و تنها از جوشش طبعی با کسی نیکی کند.<sup>۹</sup>

تا وقتی که تصور ادای این دو نوع حق ایجاد نشود، ادعاهای انسان برای برقراری عدالت و انصاف تنها ادعایی بیش نیست. قوانین انسانی از حد و چهارچوب عدل جلوتر نمی روند و نمی تواند برود؛ مردم فکر می کنند که با برقراری عدالت تمام مراحل برقراری امنیت در جهان را طی نموده اند، تصور می کنند که به آنچه باید می رسیدند، رسیده اند اما اینجا نیز بی عدالتی ها وجود دارد. جایی که منافع شخصی درکار باشد، عدالت با تمام شرایطش برقرار نمی شود. این، هم در دنیای سرمایه داری و هم در دنیای جهان سوم اتفاق می افتد، اگر جهانیان خیلی زور بزنند و با کمی تلاش احسانی بکنند، چون این لطف و احسان، کارشان نیست لذا معمولاً منت آن را هم می نهند یا به طور معمول در دنیا این نیز به چشم می خورد که اگر بنا شود به کسی به نام همدری و دلسوزی چیزی داده شود، برای آن نیز برخی شروط گذاشته می شوند. امروزه ما در رفتارهای دولت های بزرگ این امر را غالباً مشاهده می کنیم. وقتی قرار شود که از کشورهای فقیر حمایت کنند، برای آن ها شروطی می گذارند، اما تعالیم اسلام حاکی از این است که حمایت و کمکی که دنبال آن منت نهادن و آزار رسانی باشد، نیکی بحساب نمی آید. چنانکه خدا در قرآن می فرماید: لَا تُبْتَطَلُوا

---

<sup>۹</sup> حضرت مرزا غلام احمد، ازاله اوپام، روحانی خزائن جلد ۳، صفحه ۵۵۰.

## انصاف حقیقی و امنیت

صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى<sup>۱۰</sup> حضرت مسیح موعود علیه السلام این را اینگونه شرح داده اند که:

”ای احسان کنندگان صدقات خویش را که اساس آن باید بر صدق باشد، با منت نهادن و آزاررسانی به باد مدهید.“<sup>۱۱</sup>

پس اگر در دل صدق و اخلاص نباشد، آن صدقه و کمکی که به طور غریبه نوازی داده می شود، کمک و صدقه محسوب نمی شود و در اینصورت در جهان تصور ایتائی ذی القربی<sup>۱۲</sup> نیز نمی تواند صورت پذیرد. بنابراین چنانکه گفتم قانون دنیوی خیلی که رشد کند تا عدل می تواند پیش برود و آن نیز تنها در حد کلمات و سخن است چون به هنگام برقراری عدالت نیز با توجهات مختلف می توان عدالت را از بین برد اما خداوند متعال می فرماید: إِنَّ اللَّهَ يُأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ باید تمام شروط عدل را رعایت کنید و نیز احسان همراه با منت گذاشتن و ایذارسانی نباشد. علاوه بر این می فرماید عدل و احسان را انتهای تلاش تان تصور نکنید بلکه همیشه در تعاملات خویش با دیگران به ایتائی ذی القربی نیز توجه داشته باشید و با آنها بدون هیچ غرض و هدفی همدردی کنید و مشکلات و مصایب شان را مصایب خود بدانید. این عمل تان، شما را مومن واقعی قرار می دهد.

---

<sup>۱۰</sup> سورة البقره، آیه: ۲۶۵

<sup>۱۱</sup> حضرت مرزا غلام احمد قادیانی، اسلامی اصول کی فلاسفی، روحانی

خزائن جلد ۱۰، صفحه ۳۵۳

<sup>۱۲</sup> سورة النحل، آیه: ۹۱

## انصاف حقیقی و امنیت

اکنون فرق بین حکم خدا و قانون انسانی را مشاهده کنید که خداوند متعال می گوید تا وقتی که مخلصانه به معیار عدل و احسان و محبت چنگ نزنید، نمی توانید ضامن برقراری امنیت و سلامت حقیقی باشید. این، آن آموزه ای است که ادای حقوق همدیگر را به معراج می رساند و درباره ی مهربانی و شفقت بر مخلوق خداوند متعال و در باب برقراری امنیت و سلامتی نه تنها قوانین دنیوی، بلکه هیچ دین دیگری هم نمی تواند و نخواهد توانست چنین آموزه ای را ارائه دهد. برای حقوق بشریت و برقراری صلح و امنیت تنها آموزه های اسلامی است که بر عالی ترین مقام استوار است. کسی که خود را مسلمان می خواند، یا دولت اسلامی یا گروهی که به نام اسلام تشکیل شده است، اگر ضد این تعلیم، فعالیت کند، یا مرتکب خشونت و تدروی و ظلم شود، آن ها مخالف تعلیم قرآنی عمل می کنند. اسلام برای هر زمان و مکانی به همه توصیه نموده است که به آن عمل کنند. فعل کسی به نام اسلام دلیل نمی شود که تعلیم اسلام پروانه کار اشتباه می دهد. منتقدان اسلام که خود را پرچمدار عدالت و برقرار کننده ی امنیت می پندارند، باید بیانیه ها را با پیشه کردن انصاف ارائه دهند. بیانیه ای که رهبران سیاسی اینجا می دهند و در آن بیان می کنند ما نمی توانیم منکر این باشیم که تعلیم اسلامی و تروریسم به حتم باهم مرتبط اند، دال بر کم علمی شان است یا آنها با پیشه کردن بی انصافی چنین بیانیه هایی را ارائه می دهند. اینان به اعمالشان نگاه نمی کنند که به نام برقراری امنیت چگونه انصاف را زیر پا له و بازار ظلم را گرم می کنند. لزومی ندارد که نظرم را درباره ی آن ها بگویم اما خود نویسندگانشان حقیقت انصاف و عدالت شان را ظاهر می کنند. یک خبرنگار به نام جان وایت مقاله ای به عنوان West Libyan Legacy

## انصاف حقیقی و امنیت

نوشته است و در آن می گوید که بدترین مثال دخالت های غرب که نظیر تباهی و هلاکت آن یافت نمی شود، دخالت غرب در لیبی است. نتیجه ی دخالت ناتو در لیبی بجز تباهی هیچ چیز دیگری نشد. حمله ی ناتو، یک کشور با ثبات را تبدیل به کشوری تکه تکه و منقسم شده به قبایل کرد و باعث قدرت گرفتن گروهک داعش در آنجا شد. سپس می نویسد که به یاد داشته باشید قبل از ورود ناتو در لیبی هیچ اردویی برای تربیت تروریست ها وجود نداشت، خواسته ی غرب این نبود که در دموکراسی آن کشور تحولی ایجاد کنند بلکه می خواستند که راه بردن نفت را برای خویش باز و روابط اقتصادی را برقرار کنند.<sup>۱۳</sup>

این یک لمعان ظلم است به نام برقراری امنیت و عدالت. نویسندگان متعدد دیگری نیز درباره ی اشتباه بودن جنگ عراق و بی عدالتی های دیگر، بسیار نوشته اند. جهان غرب به آموزه های اسلامی اعتراض می کند در حالی که اسلام عدالت را کوچکترین نیکی معرفی می کند. و اینان شعار عدالت و انصاف سر می دهند و آن را بزرگ ترین نیکی می دانند، اگر به آن هم عمل نکنند باز می توان گفت که مردمی دنیادار هستند، برای آنها این نیز نیکی بزرگی است اما جایی که منافع شخصی شان در کار باشند، آنجا چنانکه قبلاً گفتم معیار و ملاک عدالت و انصاف را هم تغییر می دهند. اسلام برای چگونگی برقراری عدالت یک معیار بسیار زیبایی قرار داده؛ خدا در قرآن می فرماید:

---

John Wight, "Chaos & lawlessness": The West's Libyan legacy," RT.com, <sup>۱۳</sup> published August 10, 2015, <https://www.rt.com/op-edge/312075-libya-chaos-war-west/>.

## انصاف حقیقی و امنیت

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ آلَا  
تَعْدِلُوا إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ١٤

ای کسانی که ایمان آورده اید، برای خدا پایدار و استوار بوده و به عدالت گواه باشید، و البته شما را نباید عداوت گروهی بر آن دارد که از راه عدل بیرون روید، عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است، و تقوای خدا پیشه کنید که البته خدا به هر چه می‌کنید آگاه است.

این است تعلیم زیبای اسلام که در هنگام دشمنی و عداوت نیز نباید در پی بهانه‌های نادرست باشید. معنای قوام آن است که کاری را به درستی و پایمردی و ثبات، انجام دادن. بنابراین عدالت را باید، به طور حقیقی و با پایمردی و ثبات برقرار کرد. این دستور به هر مسلمانی داده شده است. همیشه به یاد داشته باشید که کارهای خود را با در نظر گرفتن دستورات الهی انجام دهید. یک مومن باید فرامین خداوند متعال را مو به مو به جای آورد و شروط عدالت و انصاف را رعایت کند. مومن باید همیشه این امر را به خاطر بسپارد و در این تلاش باشد که خداوند متعال به ما چه دستوری می‌دهد، هنگامی که چنین عملکردی از خود نشان دادید، آنگاه شما مسلمان حقیقی خوانده می‌شوید. در ارتباط با عدالت و انصاف همیشه این دستور خداوند متعال را مدنظر داشته باشید که عداوت هیچ ملتی، شما را به بی‌عدالتی سوق ندهد. و وقتی خداوند متعال انصاف را توصیه می‌کند، آنجا به نیکی‌های بیشتر نیز تاکید می‌کند. اکنون همانطور که این خبرنگار در مقاله اش نوشته بود در جنگ لیبی یا برکناری قذافی، اغراض اقتصادی

١٤ سورة المائدة، آیه: ٩

## انصاف حقیقی و امنیت

نهفته بود و لا غیر یا علت دیگر چنگ زدن محکم به ثروت نفت هم بود. در حالی که آموزه ی قرآنی که به آن معترض اند و می گویند مروج تروریسم و خشونت است، توصیه می کند که ثروت کسی را با طمع و حرص نگاه نکنید. وقتی من این سخن را در جمع سیاستمداران آمریکایی گفتم، یک سیاستمدار آمریکایی آفریقایی تبار نزد من آمد و گفت که آنچه شما گفتید-یعنی به ثروت دیگران چشم طمع نبندید و از ثروت دیگران سود بیجا نبرید- بسیار سخن به جا و درستی است و ما اینجا به شدت به آن نیاز داریم. وقتی وضعیت خودشان این است، چگونه می توانند به اسلام اعتراض کنند. اکنون دیگر نویسندگان هم -چنانکه یکی از آنها را ذکر کردم- در حال نوشتنند، منابع فراوان دیگری هم در دست دارم که در آن ها نوشته شده است: (( بسیاری از گروهک های تروریستی مسلمانان به علت جنگ عراق و سیاستگذاری های نادرست غرب به وجود آمده اند)). در جنگ جهانی دوم که با زدن بمب اتم آن همه شهروند بی گناه را قتل عام کردند، آن کدام عدالت و انصاف و کدام همدردی بشریت بود که ابراز نمودند. حالا چه لزومی دارد که این مسئله دوباره مطرح شود، اما امروز نیز مردم آن را مطرح می کنند. امروز می توانند به اشتباه بودنش اقرار کنند و بگویند: (( نباید این اتفاق می افتاد)). اما امروز اینان از کرده ی خود شرمنده و خجل نیستند. کلفتن ترومن که نوه ی رئیس جمهور ترومن است، در مصاحبه ای، درباره ی بمب اتم گفت: چیزی فوق العاده بود. درباره ی پدربزرگ خود می گوید که او جنگ را خاتمه داد، وی جان مردمان هر دو کشور را حفظ کرد. پدربزرگم برای تصمیم خود در بکار بردن بمب اتم همین علت را بیان کرده بود. و می افزاید که من بر این باور هستم که آمریکا هیچگاه نباید از ژاپن عذرخواهی کند.

## انصاف حقیقی و امنیت

همچنین یک خبرنگار در مجله ی Daily Telegraph نهم اوت نوشته است که قیمت جان های انسانی در ازای انداختن بمب اتمی در ناگاساکی و هیروشیما جایز بود. این است حال و طرز تفکرشان. جنگ در میان سپاهیان اتفاق می افتد و کودکان و زنان و پیران کشته می شوند، این است انصاف و عدالتی که برای آن توجیحات می آورند که اگر اینگونه نمی شد، آن می شد اما اگر گروهکی از مسلمین مرتکب اشتباهی شود، آن را به اسلام نسبت می دهند و به اسلام می چسبانند. در حالی که تعلیم اسلام تعلیمی است که در تمام شرایط و در هر زمان به عدل و احسان و ایتای ذی القربی دستور می دهد و ظلم و بغاوت را رد می کند. اسلام می گوید که عدالت پیشه کنید، نمونه ی عمل به این آموزه ی قرآنی در زندگی حضرت پیامبر ﷺ بیشتر از همه دیده می شود. کسی که یهودی است و مسلمان هم نیست، هنگامی که برای دادرسی نزد آن حضرت می آید، و علیه مسلمانی شکایت می کند، آن حضرت پس از شنیدن سخنان دو طرف در حق یهودی و خلاف مسلمان حکم می کنند.<sup>۱۵</sup>

امروزه هم به طور انفرادی و هم در سطح دولت ها قرض ها گرفته می شود، اما به هنگام پس دادن قرض، بهانه هایی تراشیده می شود در حالی که آنچه از اسوه ی حضرت پیامبر ﷺ که اسلام حقیقی است، دیده می شود این است که آن حضرت در هنگام مطالبه نه تنها قبل از موعد قرض را پس می دادند بلکه به طور احسان و لطف چیزی افزون

---

<sup>۱۵</sup> مسند احمد بن حنبل، جلد ۵، صفحه ۳۳۶، مسند ابن ابی حرد، نمره حدیث

۵۷۰، عالم الکتب، بیروت ۱۹۹۸

## انصاف حقیقی و امنیت

بر قرض هم می دادند. سپس در باب جنگ ها سخن می رفت، در باره ی اسیران جنگی خداوند متعال می فرماید:

مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يُكُونَ لَهُ أُسْرَىٰ حَتَّىٰ يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ<sup>۱۶</sup>

سزاوار هیچ پیامبری نیست که دشمن خود را اسیر کند مگر این که در جنگ با آن اسیر شوند.

زمانی که روش به اسارت گرفتن مردمِ قبیله ی دشمن معمول بود، اسلام با صدای بلند گفت: این کار ضد عدل و انصاف است که کسی که علیه اسلام رسماً وارد جنگ نشده و نجات یافته، اسیر گرفته شود. اگر امروزه دولت ها یا دولت های اسلامی نما به نام اسلام از این کارها انجام می دهند، این ضد اسلام است و جایز نیست. سپس اسلام تکلیف اسیران جنگی را مشخص می کند و می فرماید: **فَأَمَّا مَنَّا بَعْدُ وَإِنَّمَا فِدَاءٌ**<sup>۱۷</sup> - یا به طور منت یا با فدیة گرفتن آزادشان کنید.

سپس علاوه بر این به حسن رفتار با اسیران توصیه می کند؛ در آن زمان هنگام جنگ، هر کسی خودش را برای جنگ آماده می کرد و اگر کسی اسیر می شد، می بایست یا خودش یا قبیله اش برای آزادیش تلاش می کرد. گاهی اوقات در دل های خویشاوندان خیانت ایجاد می شد و می خواستند که مالش را به تصرف خود در آورند و آن فرد را در حالت اسارت بگذارند، اگر هم خویشاوندان نزدیک مرتکب این کارها نمی شدند، خویشاوندان دور این کارها را می کردند یا علت

---

<sup>۱۶</sup> سوره الانفال، آیه: ۶۸

<sup>۱۷</sup> سوره محمد، آیه: ۵



## انصاف حقیقی و امنیت

دیگری پیش می آمد. گاهی اوقات اگر کسی هم نمی توانست فدیة پرداخت کند، خداوند متعال در باره اش فرموده است:

وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتَبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا ۗ<sup>۱۸</sup>  
وَآتُوهُمْ مِّنْ مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ<sup>۱۸</sup>

یعنی از اسیران جنگی خود کسانی را که نمی توانید از سر لطف رها کنید و قبیلہ ی آن ها هم با پرداخت فدیة آزادشان نساختند، اگر آنها به شما گفتند که ما را آزاد کنید، ما از طریق کار کردن پول در می آوریم و جریمه ی خودمان را پرداخت می کنیم، آنگاه حالت شان را بسنجید، اگر می بینید که آنها می توانند پول دریاورند، آنگاه آنها را آزاد کنید بلکه خداوند متعال به برداشتن یک گام منت و احسان هم توصیه نمود که در این تلاش شان، شما نیز سهیم شوید. یعنی همگی مسلمانان آنها را کمک مالی کنند و از این طریق جهت آزادی شان تلاش کنند.

حتی شعار دهندگان عدل و انصاف امروزی هم نمی توانند این معیار را نشان دهند و حتی نمی توانند نزدیک آن هم برسند. برخی از نهادهای حقوق بشر ادعا می کنند که این کار را انجام می دهند، اما اسیران جنگی به کنار، اسیران سیاسی یا کسانی که به نام دین اسیر می شوند، را هم نمی توانند آزاد سازند. این را قبلاً هم گفته ام که مسلمانان نیز تعلیم اسلامی را فراموش کرده اند، اگر آنها در این تعلیم تعمق و تفکر کنند، آنگاه کسانی را که بی دلیل به اسارت می گیرند، و اینگونه اسلام

---

<sup>۱۸</sup> سورة النور، آیه: ۳۳

## انصاف حقیقی و امنیت

را بدنام می کنند، هیچگاه آن را تکرار نخواهند کرد. به هر حال از تعالیم اسلام می گفتم که اسلام به اندازه ای حقوق آزادی انسان را برقرار می سازد که دشمنی که در عداوت اسلام تن به جنگ می دهد و علیه مسلمانان شمشیر بلند می کند، وقتی در جنگ شکست می خورد و اسیر می شود، اسلام نسبت به آن سفارش می کند که شما احسان و لطف پیشه کنید و جهت فراهم نمودن سامان آزادی چنین دشمنی هم تلاش کنید. من همین الان ذکر کردم که امروزه زدن بمب اتم به ژاپن را جایز می دانند در حالی که در آن تعداد زیادی از شهروندان کشته شدند. اگر به عکس هایشان نگاه کنید، می بینید شخصی که در راه پله نشسته بود، همانجا در حالت نشسته جزغاله و مانند مجسمه گشته است. سپس علاوه بر مرگ فوری، در اثر تشعشعات رادیواکتیو تا مدت مدیدی مرگ های تدریجی صورت گرفتند و کودکان ناسالمی متولد شدند. امروز اینان پس از گذشت این همه مدت با سخن راندن در باره ی جنگ ژاپن و بمب اتم چه منظوری دارند؛ آیا می خواهند آنانی که خواستار ظلم اند را تحریک کنند.

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: مثله کردن جسد دشمنی که در جنگ به شما حمله کرد و شکست خورد جایز نیست. در جنگ هم به فریب متوسل نشوید.<sup>۱۹</sup>

هیچ کودک و زنی را نکشید. کشیشها و رهبران دینی را نکشید، بزرگسالان، زنان و کودکان را نکشید.<sup>۲۰</sup>

---

<sup>۱۹</sup> صحیح مسلم کتاب الجهاد و السیر، باب التأمیر الامراء، حدیث نمبر

۱۵۳۱، عالم الکتب بیروت ۱۹۹۸.

## انصاف حقیقی و امنیت

همیشه صلح و احسان را مدنظر داشته باشید. اگر به علت جنگ مجبور گشتید وارد کشور دشمن شوید و آنجا عرسه را بر شما تنگ نمودند، آنگاه جایز نیست که با عامه ی مردم خشونت بورزید.<sup>۲۱</sup>

کاروان ها و نقل و حرکت سپاهیان باید از مسیرهایی باشد که عامه ی مردم را دچار مشکل نکند.<sup>۲۲</sup>

بر دهان دشمن نزنید و سعی کنید که کمترین ضرر را به دشمن وارد کنید.<sup>۲۳</sup>

اگر احدی از مسلمانان با اسیر جنگی خشونت ناروا داشته باشد، فوری باید او را رها کند.<sup>۲۴</sup> آسایش اسیران را مهیا کنید، اگر اسیران باهم خویشاوند باشند، آنها را از هم جدا نکنید بلکه آنها را نزدیک هم جای دهید.<sup>۲۵</sup>

---

<sup>۲۰</sup> مسند احمد بن حنبل، جلد ۱، صفحه ۴۶۸، مسند عبدالله بن عباس، نمره حدیث ۲۴۲۸، عالم الکتب بیروت ۱۹۹۸-.

\* سنن ابی داؤد، کتاب الجهاد، باب فی دعا المشرکین، نمره حدیث ۲۶۱۳  
<sup>۲۱</sup> صحیح مسلم، کتاب الجهاد والسير، باب فی امر بالتیسر والتراقی التنفیر، نمره

حدیث ۱۴۳۲

<sup>۲۲</sup> سنن ابو داؤد، کتاب الجهاد، باب مَا يُؤْمَرُ مِنْ انْضِمَامِ الْعَسْكَرِ وَسَعْيِهِ، نمره

حدیث ۲۹۲۶

<sup>۲۳</sup> صحیح البخاری کتاب العتق باب إذا ضرب العبد فليجتنب الوجه، نمره حدیث

۲۵۵۹

<sup>۲۴</sup> صحیح مسلم، کتاب الایمان و النذر، باب صحبت الممالک و کفارتہ لمن لطم

عبدہ، نمره حدیث ۱۶۵۹

<sup>۲۵</sup> سنن الترمزی، ابواب السیر، باب فی کراهیة التفریق بین الصبی، نمره حدیث

۱۵۶۶

## انصاف حقیقی و امنیت

هر که اسیری دارد، باید به او غذایی که خود می خورد، بدهد. تمام این امور چه هست؟ عدل و انصاف که در برابرشان بسیار عقب می ماند، این همه امور از احسان و لطف است، چه کسی با اسیران جنگی اینگونه رفتار می کند.

بنابراین نه هیچ تعلیمی می تواند با تعالیم اسلام برابری کند و نه قانون مدعیان حقوق بشر امروزی می تواند با این معیار و ملاک عدل و احسان مقابله کند. اموری که بیان کردم، متعلق به ادامه دادن جنگ نیست بلکه مربوط به پایان دادن جنگ ها است. پیامبر اکرم ﷺ وقتی با مردم مدینه پیمان بستند، آنگاه به یهودیان مدینه نیز همان حقوقی را دادند که به مسلمانان داده بودند. قسمتی از این حقوق این بود که از طرف مومنان به آنها هیچ ظلمی نخواهد رسید و اگر از طرف مومنان یا غیر مومنان مورد ظلم و جور قرار گرفتند، آنگاه-علیه آن ظلم-به آنها یاری داده خواهد شد.<sup>۲۶</sup>

و این ماده ی پیمان، ضامن امنیت برای یهودیان بود چه در مدینه بمانند چه خارج شوند. این، همان عدلی است که حضرت پیامبر ﷺ برقرار ساختند. اگر مسلمانان این معیار را کسب کنند و از پیمان های خویش محافظت کنند، هیچگاه دچار ذلت و خواری نخواهند شد. تاریخ مسلمانان حاکی از این است که تا وقتی که مسلمین به پیمان های خویش پایبند بودند، پیشرفت نمودند. به محض این که در امر پیمان ها کوتاهی ورزیدند و عدل را رها نمودند، همان لحظه ذلت و

---

<sup>۲۶</sup> السیرة النبویة لابن ہشام، صفحہ ۳۵۳-۳۵۵، ہجرت الرسول ﷺ، دار الکتب العالمیہ، بیروت ۲۰۰۱.

## انصاف حقیقی و امنیت

خواری شان آغاز گردید. به این مثال پایبندی پیمان ها توجه کنید، چقدر عالی است! وقتی لشکر اسلام به سبب حمله ی رومیان مجبور شد که از منطقه ای خارج شود، آنگاه به رعیت غیر مسلمان آنجا خراج پس دادند و گفتند که ما این خراج را به خاطر محافظت از شما و برقراری امنیت گرفته بودیم اما اینک ما نمی توانیم از عهده ی آن برآییم لذا حق نداریم که این اموال را با خود ببریم. آنگاه عکس العملی که مردم آنجا نشان دادند نیز یک فصل طلایی تاریخ است و باید با کلمات طلایی نگاشته شود. آنها گفتند: ما که مورد ظلم همکیشان خود قرار می گرفتیم، شما آمدید و اینجا را تحت تصرف خود در آوردید و با معیارهای پایبندی به پیمان و برقراری عدالت ما را بر این داشتید که شما را دوست داشته باشیم لذا اکنون ما همراه شما با دشمن می جنگیم. آنگاه لشکر اسلام سپاه روم را شکست داد و دولت اسلامی دوباره برقرار شد. پس از جنگ وقتی مسلمانان وارد شهر شدند، شهروندان با جوشش زیادی از آنها استقبال نمودند.<sup>۲۷</sup>

کاش دولت های اسلامی امروزی هم از این واقعه درس بگیرند و ظلم بر خودی و غیر خودی را متوقف سازند، اگر چنین عمل کنند آنگاه از این وضعیت ذلت و خواری بیرون شده، راهنمای جهانیان خواهند شد اما برای آن باید به صدای خداوند متعال که امروز امام زمان آن را می رساند، گوش فرا بدهند.

---

<sup>۲۷</sup> کتاب الخراج از قاضی ابو یوسف، صفحه ۱۳۹-۱۵۱، فاسئلن فی الکنایس و البیع والصلبان.

## انصاف حقیقی و امنیت

موضوع عدل و احسان و ایتاء ذی القربی، موضوعی است که درباره ی آن فرامین متعددی در قرآن شریف وارد شده است و سیره ی پیامبر اکرم ﷺ نیز مملو از آن است. در این دوران نیز در نوشته های حضرت مسیح موعود علیه السلام مقتبسات زیادی در این زمینه وجود دارد که برای بیان آن ها، ساعت ها وقت نیاز است. اکنون مطلبی که مستقیماً مربوط به این آیه است و ایشان در ارتباط با این آیه شرح داده اند، عنوان خواهیم کرد و آن این است که اظهار عاطفه ی ایتائی ذی القربی از طرف پیامبر گرامی ﷺ برای انسانیت گمراه است و فقط مختص مومنان نیست بلکه برای تمام انسانیت است که مشرکین و کفار و اتباع ادیان دیگر نیز شامل آن هستند خداوند متعال آنها را در قرآن حفظ نموده است. تنها هم و غم حضرت پیامبر گرامی ﷺ برای کسانی که از خدا دور شده بودند، به این سبب بود که ایشان به خاطر دوری از خدا عاقبت خویش را بر باد می دهند و خشم خداوند متعال را بر می انگیزند و اینگونه مورد مجازات خداوند متعال قرار می گیرند. این عاطفه و رحمتی که در آن حضرت وجود داشت از عاطفه و رحمت مادر و پدر نیز بیشتر بود. این عاطفه ، آن حضرت را شب ها نگران نگه می داشت و در روزها نیز بیقرار می گرداند. گویی آن حضرت به سبب این نگرانی، خود را به هلاکت افکنده بودند. با دیدن این نگرانی و بی قراری، خداوند متعال به آن حضرت فرمود: **لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ**<sup>۲۸</sup> آیا تو خود را به این سبب نابود خواهی کرد که آنها چرا ایمان نمی آورند.

---

<sup>۲۸</sup>سورة الشعراء، آیه: ۳

## انصاف حقیقی و امنیت

اظهار عواطف قرابت داری برای کل انسانیت از این بیشتر امکان پذیر نیست. این احساسات پیامبر برای افزودن تعداد افراد خود نبود، بلکه آن حضرت ﷺ این عواطف را به علت غرق بودن در غم و هم جهانیان داشتند اما باز خرده گیران این اعتراض را می کنند که گروهک های تندروی مسلمانان مرتکب کارهای تروریستی می شوند چون تعلیم اسلام و اسوه ی پیامبر اکرم ﷺ اینگونه است. نعوذبالله. در حالی که آنها به سبب دوری از تعالیم حقیقی اسلامی مرتکب چنین کارهایی می شوند. بنابراین چنانکه گفتم، مسلمانان جهت عمل به اسلام حقیقی نیاز به گروهک های تروریستی ندارند بلکه نیازمند فرستاده ی خداوند متعال هستند و خرده گیران اسلام نیز چشمان خویش را باز کنند و عاقلانه فکر کنند و تعلیم زیبای اسلام را ببینند. امروز وظیفه ی هر احمدی این است که نه تنها هر بعد تعلیم عدل و احسان و ایتائی ذی القربی را در زندگی خود جاری سازد، بلکه این پیام را نیز به تک تک افراد جهان برسانند که به صدای فرستاده این زمانه ی خداوند متعال گوش دهید، آن هم و غم او را درک کنید که در اتباع و پیروی سرور خویش در دل داشت که به خاطر آن خداوند متعال به او نیز فرموده بود: لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسًا أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ<sup>۲۹</sup> آیا تو جان خود را نابود خواهی کرد در این غم و هم که اینان چرا مومن نمی شوند.

خدا کند این هم و غم برای انسانیت، در همه ی ما ایجاد شود. هریک از ما باید تلاش کند که این هم و غم در عواطف و احساساتش پدیدار شود. دعا می کنیم که جهان موضوع عدل و احسان و ایتائی ذی

---

<sup>۲۹</sup> سورة الشعراء، آیه: ۳

## انصاف حقیقی و امنیت

القربی را درک کند و به جای این که به سمت نابودی و هلاکت برود، خود را از آن مصون بدارد. خداوند متعال توفیق دهد که جهانیان این امر را درک کنند همچنین خدای تعالی هم این دنیا را بهشت سازد و هم برای آن اسباب بهشت آخرت را نیز فراهم سازد.

اکنون ما دعا خواهیم کرد. این لطف و احسان خداوند متعال است که او این جلسه سالانه را از هر لحاظ پربرکت ساخت. هم از لحاظ حضور مردم و هم از لحاظ آب و هوا. خداوند متعال همه ی شما را به سلامتی و در حفاظت خویش به خانه هایتان برگرداند. بیایید باهم دعا کنیم.

[دعا]